

معرفی ترجمه از زبان مترجم

## چرا این کتاب را ترجمه کردم

این بخش از مجله که از این شماره آغاز می‌شود، به مترجمان فرصت می‌دهد تا ضمن معرفی ترجمه خود به اختصار از ضرورت و اهمیت کتابی که ترجمه کرده‌اند و نیز احیاناً از شیوه کار و مشکلات عمده خود در حین ترجمه با خوانندگان سخن بگویند. بدیهی است که انتخاب کتاب و سبک مترجم و نیز دلایل و استدلال‌های او لزوماً مورد تأیید ما نیست. سردبیر.

دیالکتیک منفی آدورنو / فلسفه و امکان عقلانیت انتقادی

نویسنده: برایان اوکانر

مترجم: آرام مسعودی

سیب سرخ، ۱۳۹۹

مرادم از نگاشتن این متن برشمردن شماری از چرایی‌ها و بایستگی‌های ترجمه این کتاب است. بدین منظور و از برای زمینه‌چینی، نخست اشاره‌ای به‌غایت کوتاه را به دو مورد لازم می‌دانم: ۱. اهمیت پرداختن به آدورنو ۲. اهمیت دیالکتیک‌شناسی منفی!

در میان واحدهای درسی چیزی از آثار آدورنو به چشم نمی‌خورد؛ باوجوداین، فزونی‌گرفتن ترجمه شماری از کتاب‌ها و مقاله‌های وی به فارسی در چند دهه اخیر، سخن گفتن و ارجاع‌دهی بدان‌ها در برخی دانشگاه‌ها و به‌ویژه مؤسسه‌های آزاد در ایران و تألیف کتاب‌ها و نگارش مقاله‌هایی در باب اندیشه‌های وی بر



اهمیت و ای‌بسا بایستگی‌آشناسدن هرچه بیشتر با این اندیشه‌گر گواهی می‌دهند. روی‌نهادن به آدورنو را می‌توان به آشکارشدن عنصر معاصریت در آثارش تعبیر کرد، معاصریت بدین معنا که دریابیم کدام اندیشه‌ها، یا به بیان دقیق‌تر، کدام مفهوم‌پردازی‌های وی گرهی

از معضله‌های امروزی می‌گشاید و، بازهم به بیان دقیق‌تر، بینش‌ها و مسائلی ژرف‌تر پیش روی می‌نهد. و از اسباب این روی آوردن یکی این است که اندیشهٔ آدورنو پهنهٔ گسترده‌ای را در بر می‌گیرد، از سیاست و جامعه‌شناسی گرفته تا تاریخ و هنر و به‌ویژه موسیقی، و تحلیل‌های ژرف فراییش می‌نهد؛ و فلسفهٔ اوست که جملهٔ این حوزه‌ها را به‌هم پیوند می‌زند. گرچه این حکایتی دراز است، نمی‌خواهم پای در کفش استادان فلسفه و جامعه‌شناسی کنم. پس، سخن خویش کوتاه می‌کنم.

نزد آدورنو، جامعه‌شناسی پیوندی تنگ با فلسفه دارد و هریک بدون دیگری ناکارآمد است. در *دیالکتیک‌شناسی منفی*، این درهم‌تنیدگی، بیش از سایر آثارش، آشکار می‌شود. تحلیل‌های جامعه‌شناختی و زیباشناختی وی از این اثر مایه می‌گیرد. برای نمونه، ریزش فلسفهٔ وی در نگاهش به جامعه‌شناسی<sup>۲</sup> و موسیقی<sup>۳</sup> گواه این مدعاست. وانگهی، مطرح کردن دیالکتیک پایان‌ناپذیر کل و جزء (دیالکتیک سوژه و ابژه، مفهوم و ابژه و ...) و به کارکردن آن در ساحت انضمامیت و در تحلیل‌های موسیقایی خویش از مجرای فلسفه‌اش ممکن می‌گردد. همچنین، دیالکتیک ذات و نمود، شیء‌وارگی، بت‌وارگی و میانجی از هگل و مارکس جملگی نمونه‌هایی از انبوه مفاهیمی پیچیده هستند که *دیالکتیک‌شناسی منفی* با نقد آنها امکانات فکری نو به‌دست می‌دهد و دگرگونه در تحلیل حوزه‌های گوناگون معرفت به کارشان می‌گیرد. افزون‌براین، آدورنو در *دیالکتیک‌شناسی منفی* بنیادهای فلسفی فراروی از ایدئولوژی یا آگاهی دروغین را مطرح می‌کند، آنچه پذیرش طبیعی بودن و ازلی و ابدی بودنش برای افراد هدف جامعهٔ سرمایه‌داری است. او نشان می‌دهد که این مناسبات، ویژهٔ مکانیسم، یعنی اقتصاد، این جامعه است و با پشت سر گذاردن چنین جامعه‌ای افراد به خودآیینی دست می‌یابند. نیز، فهم عمیق مراد او از زندگی دروغین<sup>۴</sup> در اخلاق صغیر جز از رهگذر دریچیدن با اندیشه‌های فلسفی وی ممکن نخواهد شد. فلسفهٔ آدورنوست که بر گوشه‌های پنهان اندیشه‌اش پرتو می‌افکند و ژرفنایشان را آشکار می‌سازد. پس، روشن است که نباید *دیالکتیک‌شناسی منفی* را صرفاً بنیاد نظری برای عقلانیت انتقادی دانست، چنان‌که خود در پیش‌گفتار آن می‌نویسد: «این متن به‌غایت انتزاعی تلاش از بهر خدمت به انضمامیت راستین است و به‌یکسان بیانگر جنبهٔ انضمامی فراروند کار مؤلف»<sup>۵</sup>. به گمانم، در مقام مترجم، اهمیت پرداختن به فلسفهٔ آدورنو را، به کوتاه‌ترین شکل، بیان کرده باشم.

هیچ اثری، چه تألیف چه ترجمه، به زبان فارسی نیافتم که مستقیم به مهم‌ترین اثر فلسفی آدورنو پرداخته باشد. بنابراین، ترجمهٔ *دیالکتیک‌شناسی منفی* یا دست‌کم اثری درخور آن بایسته می‌نمود.

و اما درباره سبب گزینش کتاب برایان اوکانر برای ترجمه، در باب دیالکتیک‌شناسی منفی جز دو کتاب به زبان انگلیسی نیافتم: یکی نوشته برایان اوکانر و دیگری نوشته سوزان باک مُرس.<sup>۶</sup> برخی از علل گزینش کتاب اوکانر بدین قرار بود:

در قیاس با کتاب باک مُرس،

■ زبان اوکانر روان‌تر و شیواتر یافتیم.

■ با محتوای کتاب اوکانر، به‌ویژه چهار فصل نخست، آشنایی بیشتر داشتم. به‌علاوه

■ برایان اوکانر رئیس دانشکده فلسفه دانشگاه دابلین و متخصص آدورنوست و در

کتاب خویش پرابلماتیک‌های آدورنو را روشن می‌سازد. همچنین، آثاری فراوان در باب ایده‌آلیسم آلمانی و نظریه انتقادی به چاپ رسانده است.

■ اوکانر در کتاب خویش، با نگاهی انتقادی، نقد آدورنو را به کانت، هگل، هوسرل

و هایدگر مطرح می‌کند. تاجایی که می‌دانم شماری از آثار اصلی هوسرل هنوز به فارسی ترجمه نشده است، با وجود این مترجمانی گران‌مایه ترجمه‌های خوب و قابل اطمینانی از آثار اصلی آن سه فیلسوف دیگر به فارسی‌زبانان هدیه کرده‌اند. همچنین، اوکانر در کتاب خویش، با محور قراردادن تاریخ و آگاهی طبقاتی، موضع‌گیری آدورنو را نسبت به گئورگ لوکاچ طرح و تحلیل می‌کند؛ خوشبختانه، ترجمه درخشانی از این کتاب نیز به زبان فارسی وجود دارد.<sup>۷</sup> کار ارزنده این مترجمان فهم‌پذیری نقد آدورنو را بر آن فیلسوفان، با وجود پیچیدگی‌های فراوانش، ممکن می‌ساخت. از این رو، امکانات لازم در زبان فارسی جهت فهم کتاب اوکانر فراهم بود، دلیلی دیگر برای ترجمه کتاب وی.

### دو نمونه از ترجمه:

Heidegger's realism [Sachlichkeit] turns a somersault: his aim is to philosophize formlessly, so to speak, purely on the ground of things, with the result that things evaporate for him. Weary of the subjective jail of cognition, he becomes convinced that what is transcendent to subjectivity is immediate for subjectivity, without being conceptually stained by subjectivity.

رنالیسم [[Sachlichkeit]] هایدگر را پای در هواست و سر بر زمین: او را به فلسفه‌ورزی آهنگ باشد، بر بنیادی سراسر بری از شیء، چنان‌که تباهی اشیا فرجام آن باشد. [لیک] از زندان سوژکتیو شناسندگی به تنگ آید و بدین باور گردن نهد که آنچه از [زندان] سوژکتیویته فراروی می‌کند برای سوژکتیویته بی‌واسطه است، بی‌آنکه در مفاهیم سوژکتیویته سخت و فسرده آید.

Adorno concludes that Kant's strategy contains the correlative principle that

objects are empty. The emptier the object the more that must be explained through subjectivity. Kant introduces the ideas of intuition and categories to give just these explanations: “[T]he very exposition of the Critique of Pure Reason itself proves that what is absolutely subject independent, independent of that which is assigned to the subject, remains as something entirely empty and null”.

آدورنو نتیجه می‌گیرد که راهبرد کانت مستلزم اصل بی‌کنشی ابژه‌هاست. با کم‌رنگ‌تر شدن [نقش] ابژه تبیین [تجربه بر مبنای] سو بژکتیویته بیش از پیش ناگزیر می‌نماید. کانت ایده‌های شهود و مقوله‌ها را دقیقاً برای عرضه چنین تبیینی مطرح می‌کند: «نمایش سنجش خرد ناب خود گویای این است که امر مطلقاً مستقل از سوژه [شیء در خود]، مستقل از آنچه [از بیرون] بر سوژه وارد می‌شود، یکسره تهی و بی‌بنیاد است».

### پی‌نوشت

۱ نگاه کنید به دیالکتیک منفی آدورنو: فلسفه و امکان عقلانیت انتقادی (برایان اوکانر، نشر سیب سرخ، ۱۴۰۰، پانوش ص ۹).

۲ نگاه کنید به مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی (تنودور آدورنو، ترجمه سائیرا رفیعی، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۴۰۰).

۳ نگاه کنید به فنتیشیسم در موسیقی و واپس‌روی شنیدن (تنودور آدورنو، ترجمه سارا اباذری، نشر ماهی، ۱۳۹۷).

4 False life

5 *Negative Dialectics*, trans. E. B. Ashton, (London: Routledge, 1973) 9-10/xix.

6 Susan Buck-Morss, *The Origin of Negative Dialectics: Theodor W. Adorno, Walter Benjamin and the Frankfurt Institute* (Bright on, Harvester press, 1977).

۷ تاریخ و آگاهی طبقاتی: پژوهشی در دیالکتیک مارکسیستی (محمدجعفر پوینده، بوتیمار، ۱۳۹۶).